

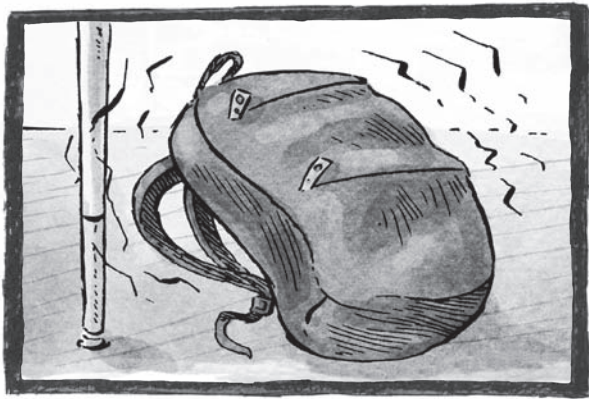
پهچندا

وحشت در
دبستان شومیان

نمایشگاه علمی ترسناک!

پهچا
Hoopa

وحشت در دبستان شومیان ۴



نمایشگاه علمی ترسناک!

نویسنده: جک شابر
تصویرگر: سام ریکس
مترجم: مونا توحیدی

EERIE ELEMENTARY 4: THE SCIENCE FAIR IS FREAKY!
Text copyright © 2016 by Max Brallier. Illustrations copyright © 2016 by Scholastic Inc. All rights reserved. Published by arrangement with Scholastic Inc., 557 Broadway, New York, NY 10012, USA
Illustrations by Sam Ricks.
Persian Translation © Houpa Publication, 2020

نشر هوپا یا همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (Scholastic) خریداری کرده است.



رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟
یعنی نشر هوپا از نویسنده‌ی کتاب، جک شابرت و ناشر خارجی آن، اسکولاستیک، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت جک شابرت این کار را کرده است.



وحشت در دبستان شومیان ۴ نمایشگاه علمی ترسناک!

سرشناسه: چابرت، جک
Chabert, Jack

عنوان و نام پدیدآور: نمایشگاه علمی ترسناک/نویسنده جک شابرت؛
تصویرگر سام ریکس؛ مترجم: مونا توحیدی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص: مصور.

فروست: وحشت در دبستان شومیان؛ ۴.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۳-۳ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۳-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The science fair is freaky!

موضوع: داستان‌های نوجوانان آمریکایی -- قرن ۲۱ م.

موضوع: Young adult fiction, American -- 21st century

شناسه افزوده: ریکس، سام، مترجم

Ricks, Sam

شناسه افزوده: مونا، مترجم

PS۳۶۰۶/۵

رده بندی کنگره: ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۶۲۰۵۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۱-۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۳-۳

چاپ دوم: ۱۳۹۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۱-۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۳-۳



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۳۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

www.hoopa.ir info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن، مجاز است.



فهرست

۱. یک حس بد ۹
۲. زمین لرزه! ۱۴
۳. گیر افتاده! ۲۲
۴. کشف عجیب ۲۶
۵. نگذار در پرود! ۳۱
۶. معمای کتاب پرنده ۳۷
۷. انتخاب سختِ سام ۴۲
۸. نمایشگاه علمی آغاز می‌شود ۴۹
۹. آزمایشِ سام ۵۸
۱۰. آشوب ۶۲
۱۱. فاجعه در نمایشگاه علمی ۶۸
۱۲. آتش‌فشان! ۷۳
۱۳. آتش‌نشان‌ها! ۸۰
۱۴. چهره‌ی شایرون شومیان ۸۶
۱۵. معما حل می‌شود ۹۳

برای سالی شابرت.
از اینکه همیشه به من کمک می‌کردی تا مشق‌های
علومم را بنویسم ممنونم!
ج. ش.

یک حس بد



سام گریوز جوش شیرین را ریخت روی کوه آتش فشانی کوچکی
که درست کرده بود.

گفت: «مواظب باشین!»

آنتونیو داد زد: «برید عقب!»

لوسی هم با صدای بلند گفت: «الانه که منفجر بشه!»

اما نیازی به این کارها نبود. آزمایش سام بدجوری شکست
خورده بود. هیچ چیز منفجر نشد. کوه آتش فشان صحیح و سالم
روی میز بود. سام و دوست‌های صمیمی‌اش، یعنی آنتونیو و
لوسی، سر کلاس زمین‌شناسی پایه‌ی سوم خانم گرینگر بودند.

لوسی دست به سینه گفت: «نکنه چون با یک دانشمندِ دیوونه جنگیدی، فکر می‌کنی خدای علوم شدی؟»



شایرون شومیان همان دانشمندِ دیوانه‌ای بود که سام، آنتونیو و لوسی با او جنگیده بودند. همان معماری که صد و خرده‌ای سال پیش نقشه‌ی دبستانِ شومیان را کشیده بود. شایرون شومیان راهی پیدا کرده بود که همیشه زنده بماند. او خودش را به مدرسه تبدیل کرده بود. دبستانِ شومیان یک هیولا بود...



آنتونیو رو کرد به سام و پرسید: «تو می‌خوای روی چی کار کنی؟»

صبح شنبه بود و اوضاع آن‌طور که سام می‌خواست پیش نمی‌رفت. آهی کشید و با خودش گفت: «این هم از آتش فشانِ جوش شیرینی! حسابی گند زد.»

خانم گرینگر چراغ را خاموش روشن کرد و وقتی همه‌ی بچه‌ها سر جایشان نشستند، گفت: «خب! وقتشه که یک توضیحی درباره‌ی نمایشگاه علمی مدرسه بهتون بدم. هرکدوم از شما که بتونه یک پروژه رو درست و کامل تحویل بده، یک نشان افتخار می‌گیره. نمایشگاه عصر چهارشنبه‌ی هفته‌ی آینده برگزار می‌شه. پس تقریباً دو هفته براش وقت دارین.»



بچه‌ها شروع کردند به پچ‌پچ کردن درباره‌ی اینکه می‌خواهند روی چه موضوعی کار کنند. آنتونیو به دوست‌هایش گفت: «وای! من که طاقت ندارم! می‌خوام روی دونه‌های برف یا یخبندون کار کنم. آخه من عاشق زمستونم. تازه علوم هم خیلی خوب شده.»

سام دلش بدجوری آشوب شده بود. به خاطر همین یکهو نوارِ مأمورِ انتظاماتی‌اش را بیرون آورده بود.

آنتونیو گفت: «سام؟»

لوسی هم پرسید: «چیزی شده؟»

سام به عنوان مأمورِ انتظامات، بعضی وقت‌ها چیزهایی را حس می‌کرد که بقیه‌ی دانش‌آموزها نمی‌توانستند احساس کنند. می‌توانست حس کند کی اوضاع دارد به هم می‌ریزد. و در آن لحظه هم دقیقاً همین حس را داشت.

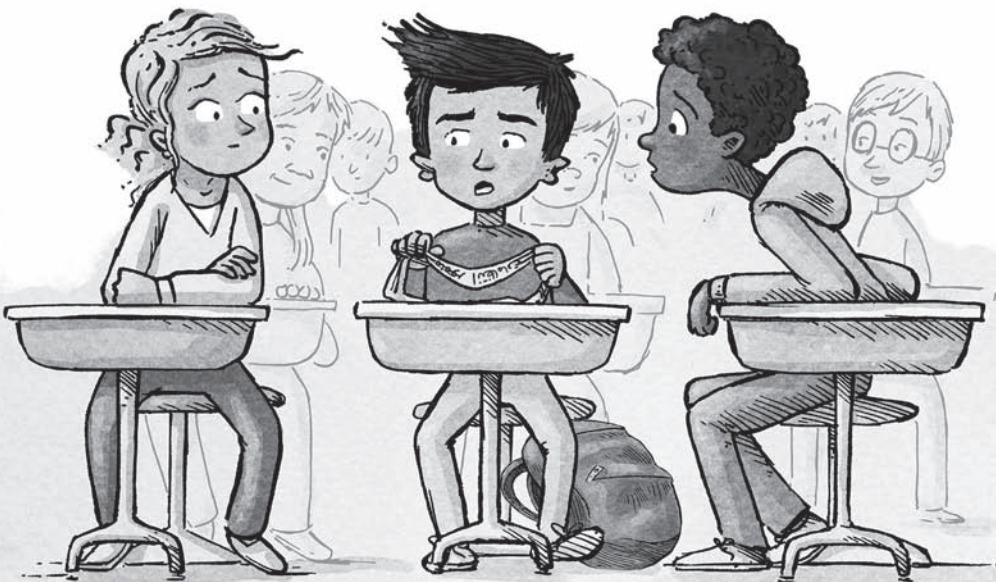
سام رو کرد به دوست‌هایش و آرام گفت: «راستش

نمی‌دونم. فقط اینکه هر لحظه ممکنه یک اتفاق بد بیفته.»

همان موقع سام دستش را کرد توی کوله پشتی‌اش و نوارِ نارنجی شبرنگی را بیرون آورد. نوارِ مأمورِ انتظاماتی‌اش.



اوایل کار سام دلش نمی‌خواست مأمورِ انتظاماتِ دبستانِ شومیان بشود. اما بعد معلوم شد وظیفه‌اش خیلی بیشتر از گشت‌زدن توی راهروهای مدرسه است. وظیفه‌ی مأمورِ انتظامات در دبستانِ شومیان، با مدرسه‌های دیگر فرق داشت. آخر، دبستانِ شومیان هم با همه‌ی مدرسه‌های دیگر فرق داشت. شایرون شومیان خودِ مدرسه بود و بنابراین مدرسه جان داشت! موجودِ زنده‌ای که نفس می‌کشید و از بچه‌های مدرسه تغذیه می‌کرد. و حالا سام گریوز، یعنی مأمورِ انتظاماتِ مدرسه، مسئولِ محافظت از جانِ بچه‌ها در برابرِ آن بود. لوسی و آنتونیو هم دستیارِ سام بودند. هر سه تایشان حسابی تلاش می‌کردند تا به کسی آسیبی نرسد.



زمین لرزه!



خانم گرینکر داد زد: «ساکت!» و بچه‌ها ساکت شدند. خانم گرینکر ادامه داد: «برای تحقیق در مورد پروژه تون می‌تونید از کتاب‌های کتابخونه‌ی مدرسه کمک بگیرید. لطفاً تا چهارشنبه‌ی همین هفته مشخص کنید می‌خواهید روی چه موضوعی کار کنید.»

لوسی دستش را برد بالا.

خانم گرینکر پرسید: «بله لوسی؟»

لوسی گفت: «ما هیچ‌وقت نمایشگاه علمی نداشتیم. چی شده که قراره برای اولین بار چنین نمایشگاهی توی دبستان شومیان برگزار بشه؟»

خانم گرینکر از سؤال لوسی جا خورد. و وقتی شروع کرد به حرف زدن، دلهره‌ی سام بیشتر و بیشتر شد. خانم گرینکر گفت: «خب... اوممم... می‌دونی لوسی... دفعه‌ی پیش...»



یک دفعه ساختمان مدرسه لرزید! زمین تکان تکان می‌خورد. لوله‌های آب ترق و توروب می‌کردند. تابلوی نقاشی از روی دیوار کلاس افتاد.

سام با خودش فکر کرد: «وای! این کار شایرون شومیانه! دوباره یک چیزی عصبانی‌اش کرده!»

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....